

تدوین و اعتبارسنجی مدل مطلوب آینده امنیت در نظام بین الملل

خادم علی تهذیبی^۱

رضا سیمبر^{۲*}

حسن خداوردی^۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۱/۲۰

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۹/۱۲

چکیده

پژوهش حاضر درصدد تدوین و اعتبارسنجی مدل مطلوب آینده امنیت در نظام بین الملل است. از این منظر از راهبرد پژوهش کیفی و از تحلیل مضمون بهره گرفته است. داده‌های پژوهش با استفاده از مصاحبه نیمه استاندارد با ۱۵ نفر از خبرگان حوزه امنیت که با استفاده از روش نمونه گیری نظری انتخاب شده بودند؛ گردآوری گردید و با استفاده از روش تحلیل مضمون و از نوع شبکه مضامین مورد تحلیل و مدل مفهومی اندازه گیری شبکه‌ای برساخته شد. یافته های پژوهش کیفی نشان داد که مدل مطلوب آینده امنیت در نظام بین الملل شامل ۷ مضمون فراگیر: ۱- توجه به تهدیدات امنیتی مسائل زیست محیطی، ۲- توجه به مکانیسم‌های جامعه مدنی جهانی مستقل در امنیت بین الملل، ۳- توجه به توسعه پایدار جوامع در دستیابی به امنیت و صلح بین الملل، ۴- ضروری بودن حضور زنان در دستیابی به امنیت بین الملل، ۵- توسعه و مقابله با سوء استفاده از مکانیسم‌های حقوق بشر در سطح بین الملل، ۶- توجه به امنیت پایدار در سطح بین الملل، ۷- توجه به همگرایی فرهنگی و مقابله با آسیب‌های آن در سطح بین الملل می‌باشد. علاوه بر آن، جهت اعتبارسنجی مضامین و مدل برساخته شده، از دو روش ارزیابی اعتبار به شیوه ارتباطی و نیز روش ممیزی و به منظور پایایی سنجی از دو روش قابلیت تکرارپذیری و نیز قابلیت انتقال یا تعمیم‌پذیری استفاده شده است.

واژگان کلیدی: امنیت، نظام بین الملل، اعتبار سنجی، امنیت بین الملل

۱. گروه علوم سیاسی و روابط بین الملل، واحد بین الملل کیش، دانشگاه آزاد اسلامی، جزیره کیش، ایران

۲. استاد گروه علوم سیاسی و روابط بین الملل دانشگاه گیلان

* نویسنده مسئول: simbar@guilan.ac.ir

۳. استادیار روابط بین الملل، حقوق و علوم سیاسی، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

مقدمه

امنیت یکی از اساسی‌ترین مفاهیم حوزه سیاست و روابط بین‌الملل است. امنیت نیاز بنیادین و هدف اولیه و اساسی تک تک انسانها در جامعه و دولتها در عرصه بین‌المللی است به طوری که مهمترین وظیفه و مسئولیت دولت ملی که مبنای تأسیس آن محسوب می‌شود، برقراری امنیت است چرا که کشورها در خلأ و به تنهایی زندگی نمی‌کنند، بلکه در یک جامعه‌ی بین‌المللی، متشکل از کشورهای مختلف با منافع و توانمندی‌های متفاوتی زندگی می‌کنند که هیچ مرجع فائقه‌ی زمینی بر آن کنترل و نظارت ندارد. تعارض منافع و تفاوت در میزان قدرت، ارزش‌های ملی کشورهای مختلف را با تهدید مواجه می‌نماید. لذا تامین امنیت و دفع تهدیدات از جمله نگرانی‌های همیشگی هر کشور به شمار می‌رود. چون در گذشته عمدتاً تهدیدات امنیتی از نوع سخت افزاری بود و دولتها تلاش می‌کردند برای ارتقا امنیت خود و ایجاد بازدارندگی در برابر دیگر دولتها قدرت نظامی خود را افزایش دهند؛ یا به عبارتی از نگاه واقع‌گرایان، دولتها تنها مرجع امنیت هستند و تنها تأمین امنیت دولتها اهمیت دارد و منبع تهدید نیز دولتها دیگر محسوب می‌شوند. اما با پیچیده شدن روابط بین‌الملل و ظهور بازیگران غیردولتی جدید، مانند گروه‌های تروریست و گروه‌های مرتبط با جرایم سازمان‌یافته از یک سو و افزایش منابع تهدید- مانند تهدیدهای اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، زیست‌محیطی، مهاجرت دسته‌جمعی و درگیری‌های داخلی- نظریه‌پردازان با عوامل جدیدی مواجه شدند که امنیت بین‌المللی را تهدید می‌کرد. این تنوع و گستردگی تهدیدات سبب تنوع در نوع و تیپ امنیت نیز شده است به گونه‌ای که امروزه از «امنیت ملی»، «امنیت بین‌المللی» و «امنیت جهانی» و «امنیت منطقه‌ای» صحبت می‌شود که هر کدام به مجموعه موضوعات متفاوتی اشاره دارند و هر یک از آنها، چهارچوب‌های تاریخی- فلسفی متفاوتی و تغییر تاریخی خاص از روابط بین‌الملل باز می‌گردند. اما علیرغم گذر و تحول در سیر مفهوم امنیت چالش‌های بین‌المللی و تهدیدات جهانی همواره وجود داشته و بر گسترش آنها افزوده است این مسئله سبب شده تا پژوهشگران روابط بین‌الملل در صدد تعریف نوع خاصی از امنیت باشند که ضمن تامین امنیت به حد جامع، بر چالش‌ها و تهدیدات فائق آید از این رو

بحث امنیت جامع که ترکیبی از چهار نوع امنیت «ملی»، «امنیت بین‌المللی»، «امنیت جهانی» و «امنیت منطقه» است مطرح گردد لذا آنچه ضرورت این مقاله رو نشان می‌دهد این است که تأمین امنیت، کاهش و محدودسازی تهدیدات جزو اصلی‌ترین دغدغه‌های تمامی کشوری به شمار می‌رود و در توجیه اقدامات پیشگیرانه و فوری امنیتی بازتاب می‌یابد. مسائل جهانی در حوزه امنیتی به دلیل پیچیدگی و ارتباط متقابل میان آنها نمی‌توان تنها بر پایه روابط دوجانبه امنیت و قدرت نظامی مورد تحلیل قرار گیرد؛ اگر روابط دو جانبه میان امنیت و قدرت نظامی نتایج و سود تاکتیکی داشته باشد، همکاری چند جانبه میان امنیت، حقوق بشر، اقتصاد و محیط زیست حائز ارزش و منافع راهبردی است لذا درک رابطه میان امنیت و شاخص‌هایی از جمله اقتصاد، حقوق بشر و محیط زیست و تاثیرپذیری و تاثیرگذاری از یکدیگر اهمیت و ضرورت پژوهش را نشان می‌دهد. به طور کلی مروری بر پژوهش‌ها و مطالعات انجام شده مرتبط با موضوع حاضر نشان می‌دهد که کارهای انجام شده در این زمینه از جنبه‌های مختلفی به موضوع امنیت توجه داشته‌اند. کلاته عربی (۱۳۹۷) در کتابی با عنوان: «آنارسی (چالش‌های حفظ امنیت در پسابحران در نظام بین‌المللی» به بررسی ماهیت و وجود عدالت و امنیت در شرایط پس از بحران جنگ و درگیری می‌پردازد. پژوهش‌های این کتاب شامل مسائلی پسابحران همچون افزایش جرم و جنایت، مسائل امنیتی، تاسیس و ساخت سیستم‌هایی برای حل این نوع مسائل، عدالت و عدالت خواهی است. بوزان (۱۳۹۰) در کتابی با عنوان: «مردم، دولت‌ها و هراس» به بحث امنیت می‌پردازد. نگارنده ضمن تقسیم امنیت به فردی، ملی و بین‌المللی تلاش دارد تا دولت را به عنوان تهدید معرفی کند. نگارنده در ادامه به بحث تهدیدات پرداخته و از پنج نوع تهدید (نظامی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و تهدیدات زیست محیطی) نام می‌برد. جعفری (۱۳۹۷) در پایان نامه‌ای با عنوان: «آینده پژوهی تأثیر متقابل روندهای جهانی و سیاست بین‌الملل بر مناقشات خاورمیانه و تأثیر آن بر رقابت‌های ایران و آمریکا تا ۲۰۲۵» تلاش دارد تا با بهره‌گیری از نظریه واقع‌گرایی نئوکلاسیک و رویکرد آینده‌پژوهی به بررسی چگونگی کنش و واکنش محیط منطقه‌ای غرب آسیا با روندهای مذکور پرداخته شود. در این پایان‌نامه از روش سناریونویسی برای تبیین آینده تحولات در خاورمیانه و تأثیر آن بر رقابت‌های

ایران و آمریکا بپردازد. این پژوهش از دو بعد نظری و سناریونویسی می‌تواند بسیار مفید واقع گردد. جیمز ام. اسکات، (۲۰۱۸) در کتابی با عنوان: «امنیت بین‌المللی، اقتصادی و انسانی در دنیای در حال تغییر» نویسنده در این کتاب به بررسی تأثیر امنیت انسانی و اقتصادی بر صلح و امنیت بین‌المللی می‌پردازد. با توجه به تغییر و تحولات صورت گرفته در روابط بین‌الملل، نقش امنیت انسانی و ثبات اقتصادی در حفظ صلح و امنیت بین‌المللی افزایش یافته است. از این رو، نگارنده به این نتیجه می‌رسد که تنها بهره‌مندی از قدرت نظامی نمی‌تواند امنیت کشورها را تأمین نماید و عواملی مانند محیط زیست، حقوق بشر، امنیت اقتصادی، امنیت اجتماعی و امنیت سیاسی از اهمیت بسیاری در ارتقای امنیت بین‌المللی برخوردار است. فرانسسکا ویتی و تاد اسکریبنر، (۲۰۱۸) در مقاله‌ای با عنوان: «امنیت انسانی: فهم مهاجرت بین‌المللی از دیدگاه امنیت انسانی» در این مقاله به بررسی مهاجرت دسته‌جمعی از دیدگاه امنیت انسانی پرداخته شده است. نویسنده همچنین به مقایسه رویکرد امنیت انسانی و رویکرد دولت در حوزه‌ی امنیت می‌پردازد و رویکرد انسانی را برای توضیح پدیده‌های جدید در روابط بین‌الملل مفیدتر قلمداد می‌کند. نگارنده نتیجه می‌گیرد که عوامل اقتصادی، زیست‌محیطی و حقوق بشری بسیاری در بروز مهاجرت‌های دسته‌جمعی مؤثر است که امنیت انسانی و امنیت بین‌المللی را به مخاطره می‌اندازد.

مروری بر سوابق تجربی مرتبط با موضوع تحقیق نشان می‌دهد که تحقیقات متعددی در کشور در خصوص امنیت، چالش‌های آن، عوامل مؤثر بر آن انجام شده است، اما کم‌توجهی به اعتبارسنجی مدل مطلوب امنیت از یک‌طرف و اغماض از مطالعات و پژوهش‌های کیفی و تفسیری که نشان‌دهنده تأثیر مولفه‌هایی همانند اقتصاد، حقوق بشر و محیط زیست است مشکلات نظری و روشی فراوانی را در آینده امنیت در نظام بین‌الملل بوجود آورده است موضوعی که این تحقیق تلاش دارد آن را مورد بررسی علمی قرار دهد از این منظر پژوهش حاضر بر آن است تا با انجام مطالعه‌ای کیفی به تدوین و اعتبارسنجی مدل مطلوب آینده امنیت در نظام بین‌الملل مبادرت بورزد.

1. International economic and human security in a changing world
2. Human Insecurity: Understanding International Migration from a Human Security Perspective

۱. امنیت و اهمیت آن

امنیت موضوعی است که با حیات فردی و اجتماعی انسان همراه بوده و از نیازهای اساسی او محسوب می‌شود. امید به زندگی، پیشرفت و ترقی در بسیاری از زمینه‌ها اعم از پیشرفت فرهنگی، اقتصادی و دستیابی به صنعت و تکنولوژی در پرتوی امنیت میسر و ممکن است. به عبارت دیگر چنانچه ضریب امنیت در کشوری در حد بالایی باشد، افراد و اقوام ساکن در آن با صلح و صمیمیت، آسایش و آرامش در کنار هم زندگی کرده و برای عمران و آبادانی کشورشان به طور فردی و گروهی تلاش می‌کنند. این موضوع باعث شده است تا دولت‌ها تلاش برای ارتقا امنیت خود و ایجاد بازدارندگی در برابر دیگر دولت‌ها، قدرت نظامی خود را افزایش دهند چرا که؛ از نگاه واقع‌گرایان، تأمین امنیت تنها از طریق افزایش قدرت نظامی و اتکاء به قدرت ملی امکان‌پذیر است. از نگاه واقع‌گرایان، دولت‌ها تنها مرجع امنیت هستند؛ به دیگر سخن، از دیدگاه واقع‌گرایانه، تنها تأمین امنیت دولت‌ها اهمیت دارد و تنها منبع تهدید نیز دولت‌های دیگر محسوب می‌شوند (Kamrul Ahsan, 2016: 1-5)؛ اما با پیچیده‌تر شدن روابط بین‌الملل و ظهور بازیگران غیردولتی جدید، مانند تروریست‌ها و گروه‌های مرتبط با جرایم سازمان‌یافته از یک سو و افزایش منابع تهدید-مانند تهدیدهای اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، زیست‌محیطی، مهاجرت دسته‌جمعی و درگیری‌های داخلی- نظریه پردازان را با عوامل جدیدی روبرو نمود که امنیت بین‌المللی را تهدید می‌کرد لذا امروزه امنیت ابعادی گسترده و تنوعی قابل توجه یافته و به طور پیوسته نیز در حال گسترش و توسعه می‌باشد. بوزان سه دلیل برای این گسترده‌گی و توسعه مفهوم امنیت ارائه می‌دهد: نخست، گسترده شدن مفهوم امنیت را برای درک واقعیت‌های در حال تغییر جهان لازم می‌دانست. دوّم این مفهوم دارای مطلوبیت سیاسی موثری است و گروه‌های مختلف جامعه خواهان «امنیتی کردن» موضوعات خاصی می‌باشند تا دولت را مجبور کنند آنها را در اولویت قرار دهد و سوّم گسترده‌سازی مفهوم امنیت قابلیت یکپارچه‌کنندگی روابط بین‌الملل به عنوان یک رشته مطالعاتی که از مزرهای سیال آشکاری برخوردار است را دارا می‌باشد. در راستای بحث باری بوزان قابل بررسی است که اصولاً با گذشت زمان و پیچیده‌تر شدن ساختار اجتماعات بشری، سطح وابستگی متقابل امنیتی میان انسان‌ها نیز



بالاتر رفته است. به طوری که اصطلاحاتی چون «امنیت ملی»، «امنیت بین‌المللی» و «امنیت جهانی» وارد قاموس مطالعات امنیتی گردیده‌اند؛ اما به نظر می‌رسد که به امنیت ملی که ناظر بر دولت ملی است و امنیت سایر کشورها را در نظر نمی‌گیرد، ایراد اساسی وارد است و همچنین به مفهوم امنیت جهانی که فرض وجود تعریفی مشترک و جهانشمول از امنیت و مجموعه‌ی مشترکی از ارزشها، قواعد و اصول را که هنوز موجود نیست را در خود دارد جای انتقاد هست. همچنین امنیت بین‌المللی که مبتنی بر نقصان و گفتمان ارزشهای بشری است و مبتنی بر ارزشهای آمریکایی بوده و با ارزشهای بومی-ملی و منطقه‌ای سازگاری ندارد ایراد وارد است. این ناکارآمدی موجود در هریک از انواع امنیت سبب شده است تا شاهد تلاش دولت‌ها و نظام بین‌الملل در جهت دست یابی به امنیت مطلوب و جامع باشیم. به گونه‌ای که تئوریهای جدید در مطالعات امنیتی مانند مکتب کینهاک، به رغم آن که امنیت ملی را مرکز ثقل و گرانیگاه مطالعات خود قرار داده‌اند، با این حال معتقدند که اگر دولتی نتواند امید به زندگی را در بین شهروندان تامین و تضمین کند، حقوق بشر را نادیده بگیرد و امنیت اقتصادی و زیست محیطی را تامین نماید، نه تنها از لحاظ امنیت اجتماعی و امنیت عمومی فاقد کارآمدی است بلکه فاقد هرگونه امنیت ملی است چرا که؛ از نظر این مکتب و باری بوزان امنیت دیگر مفهوم سنتی خود را که در چهارچوب مدل وستفالیایی بود، از دست داده چرا که امروزه امنیت چند بعدی شده است (عبدالله خانی، ۱۳۸۹: ۱۲۵-۱۲۸). از این رو باری بوزان هفت حوزه را برای امنیت مطرح کرده است: امنیت اقتصادی، امنیت غذایی، امنیت بهداشتی، امنیت زیست محیطی، امنیت فردی، امنیت اجتماعی و امنیت سیاسی (Human Security Handbook, 2017: 7).

۲. مبانی نظری تحقیق

در پژوهش حاضر به منظور تبیین نظری اعتبار سنجی مدل مطلوب امنیت در نظام بین‌الملل از رویکرد تلفیقی شامل تئوری مطالعات امنیتی انتقادی، سازه‌انگاری و رویکرد فمینیستی استفاده شده است. در ادامه به هر یک از این رویکردهای نظری در رابطه با موضوع پژوهش پرداخته می‌شود:

۲-۱. مطالعات امنیتی انتقادی پست مدرن

نظریه انتقادی به رغم ریشه‌های متعدد آن رابطه بسیار نزدیکی با مجموعه افکاری دارد که تحت عنوان مکتب فرانکفورت شناخته شده و شامل مجموعه متنوعی از اندیشه‌های افرادی نظیر آدورنو، هورکهایمر، مارکوزه، هابرماس و سایرین است. در نگاه وسیع‌تر تاریخی همان‌گونه که دوتاک اشاره می‌کند، علاقه هنجاری نظریه انتقادی در تعیین امکان ذاتی تغییر شکل اجتماعی، ویژگی محدودکننده خط فکری است که حداقل از کانت و مارکس تا نظریه پردازان انتقادی معاصر نظیر هابرماس تداوم داشته است (Devetak, 1996: 147). درحالی‌که واقع‌گرایی جدید به مشروعیت بخشی نظمی که بازیگر قدرتمند آن را مطلوب می‌داند کمک می‌کند، نظریه انتقادی به دنبال امکانی ذاتی است که در صورت تغییر شکل بتواند منافع بازیگران حاشیه‌ای و نادیده گرفته شده را تأمین کند (Linklater, 1990: 26). نظریه انتقادی بین‌الملل در مورد مسائل مربوط به امنیت به طور خاص متوجه جهت‌گیری وضع موجود واقع‌گرایی و نیز این واقعیت بوده که «تأکید بر ابزارهای رسیدن به هدف است تا ارزشمندی خود هدف». واقع‌گرایی به علت تک بعدی بودن (از لحاظ دولت محوری و نظامی‌گری) مورد انتقاد قرار گرفته است؛ هرچند که در سطحی عمیق‌تر نیز به علت دفاع از سرکوب سیاسی نیروهایی که نشان دادند الگوهای جدید توسعه تاریخی هم امکان‌پذیر است، مورد نقد واقع شده است. بنابراین رویکردهای انتقادی در حوزه مطالعات امنیتی ادعا می‌کند که امنیت یک مفهوم فرعی است که ارتباط نزدیکی با نظم و سیاست جهانی دارد. در واقع، امنیت به معنای نبود تهدید است. اما این تعریف به شکل گمراه کننده‌ای ساده است. برای از میان بردن تهدیدات در جهان، در ابتدا باید این تهدیدات را بشناسیم. در کنار این مسئله باید بدانیم که چه چیزی محافظت می‌کنیم. رویکردهای انتقادی در حوزه مطالعات امنیتی فرد را به عنوان مهم‌ترین مرجع امنیت در نظر می‌گیرند. اکثر مباحثی که از سوی رویکرد انتقادی مطرح می‌شود، به جای دولت‌ها، مردم و زندگی آن‌ها را مورد توجه قرار می‌دهد. دولت‌ها متشکل از مردم هستند و بنابراین، امنیت مردم باید در اولویت قرار گیرد و به عنوان مرجع اصلی امنیت شناخته شود. بنابراین، تئوری انتقادی به بقاء و وجود

1. Critical theory", op.cit, p. 152

2. Beyond Realism and Marxism: Critical Theory and International Relations., op.cit, p.3



نیروهای ضداستیلا و همچنین تعدیل امنیت مسلط و گفتمان‌های توسعه معتقد است و بدین ترتیب به فهم‌های متفاوت از امنیت و اینکه چه چیزی باید امن شود، کمک میکند. چنین وضعی در تسکین نومیادی ضمنی واقع‌گرایی، امری حیاتی است زیرا رفتار عقلانی در فضایی آشفته، هم بی‌اعتمادی و ناامنی فراوان ایجاد می‌کند و هم تهدیدی برای همه دولتهاست.^۱ مطالعات امنیتی انتقادی واکنشی در برابر حل مشکلات مطالعات سنتی امنیت است و ترجیح می‌دهد گفتمان برتری جویانه و اقدامات متداول برهم زنده امنیت جهانی را، به چالش بکشد. نظریه معطوف به حل مشکلات، نظم غالب روابط سیاسی-اجتماعی و نهادهای آن را پذیرفته و به دنبال واداشتن این روابط و نهادها به انجام فعالیتی آرام از طریق مواجهه مؤثر با منافع خاص و مشکل‌ساز است (Jakniūnaitė, 2013-2014: 39-40).

۲-۲. سازه‌نگاری و امنیت

سازه‌نگاری بیش از هر چیز چارچوب تحلیلی به اصطلاح فرا نظری در کل علوم اجتماعی است که بعضی سعی کرده‌اند از آن یک نظریه روابط بین‌الملل استخراج کنند (مشیرزاده، ۱۳۸۵: ۱۴). آنچه سازه‌نگاران بر آن تأکید می‌کنند سرشت اجتماعی کنشگران اجتماعی است. دولت‌ها و هر کنشگر انسانی که در روابط بین‌الملل می‌شناسیم، یک هویت اجتماعی دارد؛ یعنی نمی‌توان کنشگری ماقبل اجتماعی تصور کرد و هویت کنشگران از تعامل بین خودشان حاصل شده است. «مباحث هستی‌شناسی کانون توجه سازه‌نگاران است و آنها مرکز ثقل بحث را در حوزه بین‌المللی از معرفت‌شناسی (جریان غالب مدرنیته)، به هستی-شناسی منتقل کرده‌اند که مایل است جهان و موجودات آن را در حال شدن ببیند تا بودن (Stefano, 2000: 144)، در همین بعد هستی‌شناسانه توجه سازه‌نگاران عمدتاً به انگاره‌ها، معانی، قواعد، رویه‌ها و هنجارها معطوف شده است و به نظر آنها، نظام‌های معنایی تعریف می‌کنند که کنشگران چگونه باید محیط خود را تفسیر کنند (Marlene, 1997: 225)، در این رویکرد آنچه عامل برساختن هویت‌هاست، مفاهیم و هنجارها هستند که به هویت شکل می‌دهند و هویت‌ها نیز به منافع شکل می‌دهند. بنابراین منافع از پیش تعیین شده‌ای برای

1. Beyond Realism and Marxism: Critical Theory and International Relations., op.cit, p.12

کنشگران نمی‌توانیم فرض کنیم. سازه‌انگاران معتقدند عوامل آرمانی یا ایده‌ها تبدیل به ارزش و ارزش‌ها تبدیل به هنجار و هنجار بر هویت تاثیر گذاشته و محتوای هویت را تغییر می‌دهند؛ هویت نیز به نوبه خود اساس منافع و کنش را می‌سازد. مفهوم هویت عنوانی است برای برداشتی که بازیگر در ارتباط خود با دیگران از "خود" دارد (احدی، ۱۳۸۵: ۳-۱۲). هنگامی که در روابط بین‌الملل درباره "خود" صحبت می‌کنیم بازیگران جمعی اعم از کشورها، ملت‌ها، گروه‌های مذهبی، گروه‌های فشار و... است. در مرحله بعد سیگنال‌های ارسالی بازیگران وارد هنجارها، ارزش‌ها باورهای بازیگر مقابل می‌شود اگر سازگاری داشت خودی محسوب و اگر نداشت غیرخودی محسوب می‌شود اگر غیرخودی محسوب شود تهدید تلقی گردیده و واگرایی و پس از آن دگرسازی پیش خواهد آمد. سازه‌انگاران سرچشمه امنیت و ناامنی را در نحوه تفکر بازیگران به پدیده‌ها و موضوعات، به ویژه منافع و تهدیدات می‌دانند و معتقدند امنیت بیش از آن که بر عوامل مادی قدرت متکی باشد، بر میزان فهم مشترک بازیگران از هم قرار دارد. مقایسه روابط امریکا و انگلیس با روابط امریکا و کره شمالی می‌تواند مقصود سازه‌گرایان را تبیین کند. اگر انگلیس جنگ افزارهای هسته‌ای جدیدی تولید کند امریکا نگرانی ندارد که برای مقابله با این تحول چه باید بکند. اما اگر کره شمالی زرادخانه‌ای از جنگ افزارهای هسته‌ای شکل دهد امریکا بسیار نگران می‌شود و می‌کوشد یا کره شمالی را از استقرار این جنگ افزارها منصرف کند یا برای حفاظت از خودش در برابر آن‌ها سیستم دفاعی ترتیب دهد. در این دو مورد توانایی مادی به یک اندازه واقعی است ولی واکنش سیاستمداران امریکا کاملاً فرق می‌کند. نتیجه‌ای که سازه‌انگاران از این واکنش‌های متفاوت می‌گیرند این است که این تفاوت، نتیجه تغییرات مادی نیست زیرا توانایی‌های مادی را در هر دو مورد معادل هم تصور می‌کنیم بلکه نتیجه نحوه تفکر سیاست‌گذاران درباره تغییرات مادی است (چرنوف، ۱۴۹). نخستین کارهای امنیتی منبعث از دیدگاه سازه‌انگاری، معطوف به مباحث جماعات امنیتی است. آدلر، کاتزنستین، و بارتنت نظریه‌پردازان این حوزه خاص هستند. بر این اساس، نظریه‌پردازان مذکور با ادامه آراء و نظریه‌های کارل دوویچ پیرامون رویکرد مبادلات- ارتباطات در نظریه‌های همگرایی از استنتاجات نظری دیدگاه سازه‌انگاری در مطالعات امنیتی بهره جسته‌اند. در اینجا لازم به ذکر است که مباحث جماعات امنیتی بخشی مهم از مباحث مرتبط با نظم‌های منطقه‌ای است. بر این اساس، نظریه‌پردازان مزبور به

مقولاتی چون تأثیر فرایندهای اجتماعی و جامعه بین‌الملل بر تغییر سیاست‌های امنیتی، و همچنین تعریف منافع امنیتی بازیگران در پاسخ به عوامل فرهنگی در چهارچوب یک جماعت امنیتی می‌پردازند (عبداله‌خانی، ۱۳۸۳: ۱۹۱-۲۰۰). مطالعات امنیتی که با رویکرد ساده‌انگاری، انجام گرفته است، تلاش دارد تا فرایندهای تحول اجتماعی و بین‌المللی را در ارتباط با یکدیگر مورد ارزیابی قرار دهد (شیهان، ۱۳۸۸: ۲۲۱-۲۴۱).

مبحث بسیار مهم دیگری که نویسنده لازم می‌داند تا پیش از وارد شدن به استنتاجات نظری خود پیرامون مطالعات امنیتی سازه‌انگاران بدان اشاره کند طرح معماهای امنیتی از سوی سازه‌انگاران است. در این ارتباط، سازه‌انگاران در خصوص چهار دسته از معماهای امنیتی توضیحاتی ارائه می‌دهند. اولین مورد، مقوله موازنه قدرت است. سازه‌انگاران با ملحوظ داشتن نگاهی انتقادی نسبت به واقع‌گرایان، چنین استدلال می‌کنند که واقع‌گرایان در خصوص توانایی تخمین قدرت طرف دیگر توانا هستند، اما نمی‌توانند نحوه درک دولت‌ها از نیت خصمانه در برابر نیت دوستانه را نشان دهند. بدین قرار سازه‌انگاران در پاسخ به این معما اینگونه عنوان می‌دارند که هویت با فراهم آوردن معنا، تردیدها را کاهش می‌دهد (عیوض‌زاده اردبیلی، ۱۳۹۱: ۱۹۰-۲۱۱)؛ اما معمای دوم مطروح توسط سازه‌انگاران، معطوف به همشکلی الگوی توسعه نظامی جهانی است. از این نظر ارتش‌های سراسر دنیا خطوط کامل مشابهی به جهت سازمان‌یافتگی دارند. از دید سازه‌انگاران این همشکلی یک معما است، چرا که توسعه نظامی نیاز به سرمایه‌های ملی دارد و این امر خود در جوامع در حال توسعه یا توسعه‌نیافته منجر به تشدید ناامنی می‌شود. پیشنهاد سازه‌انگاران به اینگونه جوامع روی آوردن به یک ارتش مردمی و فن‌آوری نظامی سطح پایین است، چرا که این نوع ارتش، بهتر از ارتش‌های جوامع مدرن با تهدیدات این دسته از کشورها که عمدتاً ناآرامی‌های داخلی بوده، منطبق است (عیوض‌زاده اردبیلی، ۱۳۹۱: ۱۹۰-۲۱۱). در نتیجه، تلاش برای پل زدن بین نظام‌های داخلی و بین‌المللی یکی از رویکردهای عمده‌ی سازه‌انگاران است و این مسئله باعث شده تا آنان امنیت داخلی و خارجی بازیگران را با یکدیگر مرتبط بدانند. پیوند شاخص‌های مربوط به امنیت داخلی و بین‌المللی، بیانگر آن است که کشورها در روند تامین اهداف استراتژیک خود نیازمند بهره‌گیری از الگوها و شاخص‌های نرم‌افزاری می‌باشند. در این ارتباط ماهیت تهدیدات نیز دگرگون شده است. بر اساس اشکال جدید تهدید، استراتژی کشورها برای مقابله با

تهدیدات طراحی شده است. بر این اساس، سازه انگاران سرچشمه‌ی امنیت و ناامنی را در نحوه‌ی تفکر بازیگران نسبت به پدیده‌ها و موضوعات، خصوصاً منافع و تهدیدات، می‌دانند. از منظر سازه‌انگاری، امنیت بیش از قدرت بر میزان درک و فهم مشترک بازیگران از یکدیگر استوار است (عیوض‌زاده اردبیلی، ۱۳۹۱: ۱۹۰-۲۱۱).

آنچه که در وضعیت جدید در ارتباط با موضوع امنیت حائز اهمیت شده، تغییر مرجع امنیت از دولت به جامعه است. از این نظر، به دلیل صورت‌بندی نوین اجتماعی، باید بین امنیت دولت و امنیت جامعه تمایز قائل شد. در این راستا لازم به توضیح است که امنیت دولت معطوف به حاکمیت و امنیت جامعه، معطوف به هویت است (کلارک، ۱۳۸۹: ۲۳۹). به طور کلی می‌توان سه معیار را جهت سنجش قدرت قواعد و هنجارهای امنیتی به قرار ذیل برشمرد:

الف- مشخص بودن قواعد و هنجارهای امنیتی؛

ب- تداوم قواعد و هنجارهای امنیتی که مؤید مدت تأثیرگذاری و تداوم آنها در برابر چالش‌های در حال ظهور است؛

ج- تطابق قواعد و هنجارهای امنیتی که مؤید پذیرش گفتمان مورد نظر است (افتخاری، ۱۳۸۳: ۹۲).

۲-۳. رویکرد فمینیستی در مطالعات امنیتی

فمینیسم با مسائل امنیتی انتقادی، باید بگوئیم آمار بیانگر آن است که نداشتن امنیت (یا کاهش امید به زندگی) امری جنسیتی است که با سایر منابع ناامنی نظیر نژاد، فقر و روستانشینی ترکیب می‌شود. مردی که در روستایی در بولیوی و یا خانواده‌ای فقیر در هند متولد می‌شود، شانس کمی برای بالا رفتن از خط فقر دارد؛ ولی زنی که در شرایط مشابهی متولد می‌شود در واقع هیچ شانس ندارد. همچنین آسیب‌پذیری زنان در نتیجه نظامی‌گری و یا به خاطر ایجاد جوامع خشن بیشتر از مردان است. زنانه نمودن فقر اصطلاحی است که در چارچوب مطالعات تجربی در مبارزه زنان بسیار به کار می‌رود. اکثر فمینیست‌ها با لزوم تأثیر این رهیافت موافقند اما مبنای تحلیل فمینیستی را برای آن کافی نمی‌دانند. این رهیافت بی‌تردید راهی به سوی تفکر در مورد جنسیت و امنیت است (Booth, 1991: 50-100). نظریات فمینیستی طیفی متنوع از عقاید درباره‌ی نقش، موقعیت و هویت زنان به

نسبت مردان را شامل می‌شود. مفروض تمام نظریات فمینیستی این است که روایت‌های مربوط به زنان، زبانی مردانه دارد و هویت و نقش زنان در مسائلی که به‌نحوی به آن‌ها مربوط است نادیده گرفته شده است؛ بنابراین، تغییر وضعیت زنان، جزء اهداف مشترک آن‌ها است، اگرچه رهیافت فعالان فمینیستی در موضوعات مختلف متفاوت است. در حوزه مطالعات امنیتی نیز تلاش فمینیست‌ها بر این است که توجه را به موضوع جنسیت و روش‌های متفاوت اندیشیدن به آن و مفهوم‌سازی امنیت و پاسخ به معضلات امنیتی که از نظر آن‌ها ماهیتا جنسیتی است، جلب کنند (Withworth, 2008: 103).

از دیدگاه فمینیستی، نظامی‌گری یکی از اشکال خشونت‌ها و ساختارهای مردانه است. از نگاه مردانه به مسائل امنیتی، زنان (و کودکان) مشارکتی غیرفعال در درگیری‌های مسلحانه دارند. از این‌رو، اولین مفروض اندیشمندان فمینیست در این حوزه بر این مسئله تأکید می‌کند که زنان و مسائل مرتبط با جنسیت جزئی از ساختار مفهومی و تجربی امنیت بین‌المللی به‌شمار می‌رود. از این‌رو، اندیشمندان و فعالان این حوزه تلاش می‌کنند زنان را به‌عنوان یکی از موضوعات مهم در امنیت بین‌الملل مطرح نمایند.

رویکرد فمینیستی همانند رویکرد انتقادی در حوزه مطالعات امنیتی، امنیت را مقوله‌ای چندبعدی با پیچیدگی‌های بسیاری می‌دانند. از دیدگاه اغلب اندیشمندان فمینیست، تهدیدهای امنیتی شامل خشونت‌های خانگی، تجاوز، فقر، تبعیض جنسیتی، تخریب محیط زیست و جنگ‌های کلاسیک می‌شود. اندیشمندان فمینیستی بر این موضوع تأکید می‌کنند امنیت افراد بر امنیت ملی تأثیرگذار است و همانند رویکرد انتقادی فرد را مهم‌ترین مرجع امنیت می‌دانند. مطالعات فمینیستی هم‌چنین نشان می‌دهد که امنیت افراد چگونه توسط سیاست‌های اشتباه دولت‌ها به‌خطر می‌افتد. به‌طور کلی، اندیشمندان فمینیست بر این باورند که حفظ امنیت جهانی تنها در صورتی امکان‌پذیر است که مسئله‌ی جنسیت مورد توجه قرار گیرد. بنابراین، زنان می‌توانند به‌عنوان عضوی فعال از جامعه‌ی جهانی، نقش به‌سزایی در ارتقای امنیت بین‌الملل و امنیت فردی ایفا کنند. در مقابل، به‌حاشیه‌رفتن زنان در مسائل سیاست جهانی و امنیت بین‌الملل به گسترش خشونت و درگیری دامن خواهد زد. مطالعه‌ای که در سال ۲۰۰۱، توسط ماری کاپریولی و مارک بویر انجام شده

است، نشان می‌دهد دولت‌هایی که در آن‌ها نابرابری جنسیتی وجود دارد، از خشونت بیشتری در درگیری‌ها و اختلافات بین‌المللی استفاده می‌کنند.^۱

۴-۲. جمع بندی چارچوب نظری پژوهش

بررسی مبانی نظری نشان می‌دهند که عواملی از جمله: عدم توجه به فرد به عنوان مهم‌ترین مرجع امنیت، عدم توجه به موضوع هویت و تاثیر عوامل اجتماعی، عدم تغییر مرجع امنیت از دولت به جامعه، عدم توجه به مسئله جنسیت و عدم توجه به موضوعاتی همانند حقوق بشر و محیط زیست بر امنیت و چالش‌های آن تاثیرات فراوانی داشته‌اند چرا که؛ وجود عوامل جنسیتی، محیط زیستی، عدم توجه به فرد، عدم جایگزینی امنیت دولت با امنیت جامعه در راه وصول به اهداف نهادینه شده امنیت در نظام بین‌المللی موثر هستند؛ در همین راستا قابل ذکر است که یکی از فشارهای وارده بر افراد، فشارهای جنسیتی می‌باشد و لذا از آنجا که ابزار لازم برای دسترسی به اهداف مورد نظر در اختیار زنان همانند مردان جامعه قرار نمی‌گیرد و زنان نمی‌توانند به عنوان عضوی فعال از جامعه جهانی، نقش بسزایی در ارتقای امنیت بین‌الملل و امنیت فردی ایفا کنند موارد فوق چالش‌های بسیاری برای امنیت ایجاد نموده و اکنون به علت بی‌توجهی به این موضوعات شاهد تهدیدات وسیع و گستره امنیت بین‌المللی هستیم.

۳. روش تحقیق

پژوهش حاضر به لحاظ ماهیت در زمره تحقیقات اکتشافی؛ به لحاظ نوع تحقیق کاربردی و به لحاظ استراتژی پژوهش دارای استراتژی استقرایی و به لحاظ ماهیت داده‌ها در زمره طرح پژوهشی کیفی و از نوع تحلیل مضمون بوده است. جامعه آماری تحقیق شامل خبرگان دانشگاهی و اجرایی در رشته مطالعات امنیتی بویژه امنیت بین‌الملل بوده است که از طریق روش نمونه‌گیری نظری انتخاب شده بوده‌اند. لذا داده‌های پژوهش پس از انجام مصاحبه نیمه ساخت یافته (نیمه استاندارد) با ۱۵ خبره به حالت اشباع نظری رسید و انجام مصاحبه متوقف شد.

1. https://www.academia.edu/292413/Feminist_Security_Studies_Conversations_and_Introductions, p. 8-10.

برای تحلیل داده‌ها از تحلیل مضمون و از نوع شبکه مضامین (برای نشان دادن ارتباط و وابستگی مضامین) به واسطه انجام فرایند کدگذاری نظری در سه مرحله کدگذاری باز، محوری و انتخابی (گزینشی) به منظور احصاء و کشف مضامین پایه، سازمان یافته و فراگیر در راستای تدوین و اعتبارسنجی مدل مطلوب آینده امنیت در نظام بین‌الملل استفاده شده است.

علاوه بر آن، جهت اعتبارسنجی (قابلیت اطمینان و باورپذیری) مضامین و نیز مدل برساخته شده از دو روش ارزیابی اعتبار به شیوه ارتباطی که به معنای رجوع به مشارکت کنندگان (در اینجا مصاحبه شونده‌گان) است (فلیک، ۲۰۰۶: ۴۱۵) و نیز روش ممیزی (رجوع به خبرگان و ارزیابان) استفاده شده است. همچنین جهت پایایی سنجی مضامین از دو روش قابلیت تکرارپذیری و نیز قابلیت انتقال و یا تعمیم‌پذیری استفاده شده است. قابلیت تکرارپذیری بواسطه روش ضریب توافق درونی بین دو کدگذار (محقق با محقق همکار) در رابطه فرایند کدگذاری اطلاق می‌شود (ساروخانی، ۱۳۸۷)؛ لذا ناهماهنگی‌های بوجود آمده از طریق بازنگری در فرایند کدگذاری داده‌ها مرتفع شده است. همچنین به منظور قابلیت انتقال یا تعمیم‌پذیری سعی شد تا حد امکان از صاحب نظران مختلف حوزه‌های دانشگاهی و نیز اجرایی مرتبط با موضوع تحقیق در پژوهش استفاده شود؛ یعنی سعی شده است که نمونه‌گیری نظری به صورت منظم و جامع صورت گیرد (استراوس و کوربین، ۱۹۹۰: ۲۸۳-۲۸۴).

۴. یافته‌های تحقیق

به منظور به تحلیل داده‌های کیفی از تحلیل مضمون و از میان روش‌های مختلف تحلیل مضمون از روش شبکه مضامین استفاده شده است. در تعریف مضمون می‌توان چنین گفت: «مضمون الگویی است که در داده‌ها یافت می‌شود که به توصیف، سازماندهی مشاهدات و تفسیر جنبه‌هایی از پدیده می‌پردازد. این روش، واحدی برای تحلیل داده‌های متنی است و داده‌های متنوع و پراکنده را به داده‌های فنی و تفصیلی تبدیل می‌کند» (براون و کلارک، ۲۰۰۶). تحلیل مضمون به روش‌های مختلف صورت می‌گیرد که در این

1. Strauss & Corbin
2. Braun & Clarke

پژوهش از شبکه مضامین (برای نشان دادن ارتباط و وابستگی مضامین) استفاده شده است. شبکه مضامین^۱ روشی در تحلیل مضامین است که آتراید استیرلینگ (۲۰۰۱) آنرا توسعه داده است. برای دستیابی به شبکه مضامین باید مراحل ذیل انجام شود: الف- کشف مضامین اصلی و (شناسه‌ها و نکات کلیدی متن)، ب- کشف مضامین سازمان یافته (مضامین به دست آمده از تلخیص و ترکیب مضمون‌های پایه‌ای) و ج- کشف مضامین فراگیر (مضامین عالی در برگیرنده اصول حاکم بر متن به عنوان یک کل). بعد از طی این مراحل، مضمون‌های به دست آمده به صورت نقشه‌های شبکه وب ترسیم می‌شوند که در آن مضامین برجسته همراه با روابط میان آنها نشان داده می‌شود. مضامین فراگیر در کانون شبکه مضامین قرار می‌گیرد؛ مضامین سازمان یافته واسط مضامین فراگیر و مضامین پایه‌ای شبکه است (نقل از عابدی جعفری و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۶۰).

در ادامه به تحلیل داده‌های حاصل از مصاحبه نیمه ساخت یافته (نیمه استاندارد) با خبرگان مطالعات امنیتی و بویژه امنیت بین‌الملل به منظور تدوین و اعتبارسنجی مدل مطلوب آینده امنیت در نظام بین‌الملل پرداخته شده است:

جدول ۱- فرایند کدگذاری نظری برای کشف مضامین سازمان یافته و فراگیر مدل مطلوب آینده

امنیت در نظام بین‌الملل^۲

کدگذاری گزینشی (انتخابی)	کدگذاری محوری	کدگذاری باز
مضامین فراگیر	مضامین سازمان یافته	مضامین پایه‌ای
توجه به تهدیدات امنیتی مسائل زیست محیطی	تهدید بودن مسائل زیست محیطی برای امنیت جهانی	تهدید شدن امنیت جهانی با تغییرات آب و هوایی
		وجود آمدن مشکلات اقتصادی بواسطه آسیب‌های محیط زیستی
		وجود آمدن منازعات داخلی و قومی بواسطه مسائل زیست محیطی
		چالش برانگیز بودن عدم توجه به مسائل زیست محیطی
		مسائل زیست محیطی چالش جدی آینده نظام بین‌الملل
		شفاف سازی در خصوص فاجعه مشترک بین‌المللی مسایل محیط زیستی
		مسایل زیست محیطی بزرگترین تهدید امنیتی

1. Thematic Network

۱. یافته‌های میدانی نگارندگان



مشکل زا بودن بی توجهی به مسائل زیست محیطی در امنیت آینده جوامع		
مسائل زیست محیطی قربانی اهداف، منافع و امنیت ملی	عدم توجه جدی دولت ها نسبت به مسائل محیط زیستی	
عقیم ماندن تلاش معاهدات پاریس در رابطه با پرداخت غرامت و مکانیسم های حمایت از محیط زیست		
وجود اختلاف نظر کشورها در رابطه با کنوانسیون ها و نهادهای حقوقی زیست محیطی		
عدم تمایل دولت ها برای هزینه کردن در زمینه مسائل محیط زیست		
مهم بودن نقش مکانیزم های حقوقی در کنوانسیون های زیست محیطی در همکاری های کشورها		
تأکید بر حفظ محیط زیست در ادیان الهی	با اهمیت بودن نگرش مشترک بین المللی به مسائل زیست محیطی	
دو سویه بودن صلح و امنیت با محیط زیست		
استفاده ابزاری از رسانه ها و سمن ها از سوی نهاد قدرت	سوء استفاده از رسانه ها، سمن ها و مجامع بین المللی، از سوی نهاد قدرت و ثروت	توجه به مکانیسم های جامعه مدنی جهانی مستقل در امنیت بین الملل
ابزار قدرت نرم دولت ها بودن سمن ها، رسانه ها و مجامع بین المللی در سطح بین الملل		
استفاده ابزاری از رسانه ها و مجامع بین المللی از سوی کشورهای مرکز و شمال		
استفاده ابزاری از سازمان های بین المللی از سوی حامیان مالی		
تقویت سمن ها برای تامین و ارتقاء امنیت جامع	اثر بخشی سمن ها در امنیت بین المللی بواسطه برخورداری از استقلال	
قدرت گرفتن سمن ها در مجامع بین المللی		
نقش آموزشی و پی گیری سمن ها در دستیابی به امنیت بین المللی		
مهم بودن نقش رسانه در آینده امنیت در نظام بین الملل	موثر بودن رسانه های مستقل در امنیت جامع در نظام بین الملل	
آموزش و تأکید به صلح و امنیت پایدار جهانی از طریق رسانه ها		
نقش آموزشی و اطلاع رسانی رسانه ها در حفظ محیط زیست و امنیت بین المللی		
شتاب بخشیدن به ثبات امنیتی بواسطه رسانه ها و گردش آزاد اطلاعات		
تأثیر گذاری افکار عمومی بر سیاست های سیاستمداران از طریق مجامع بین المللی	با اهمیت بودن نقش مجامع بین المللی در امنیت جهانی	
کاهش منازعات بین المللی در سایه توسعه مجامع بین المللی		
پیوستن به کنوانسیون های بین المللی		
با اهمیت بودن دیپلماسی در عصر کنونی		
داشتن تعاملات بین المللی و دیپلماسی		

<p>موثر بودن تدوین معاهدات و ایجاد الزامات بین المللی در امنیت جهانی</p> <p>با اهمیت بودن توسعه اقتصادی</p> <p>رشد و رفع نیازهای اقتصادی جوامع</p> <p>امنیت ملی در سایه ثبات اقتصادی</p> <p>توسعه اقتصادی جوامع شرط لازم و نه کافی دست یابی به امنیت جامع در نظام بین الملل</p> <p>توسعه یافتگی اقتصادی تسهیل گر توسعه حقوق بشر و مسائل زیست محیطی</p> <p>عدم توجه به بهم پیوستگی مسائل خاصه اقتصادی</p> <p>مسبق بودن امنیت پایدار به ارتباط میان سیاست و اقتصاد</p> <p>تعامل اقتصاد و امنیت ضامن نگرش ها و کارکردهای مسالمت آمیز در سطح بین الملل</p> <p>توسعه اقتصادی جوامع مهمترین رکن امنیت جهانی</p> <p>از بین رفتن شکاف آگاهی و دانش و کاهش تنش های بین المللی در سایه توسعه یافتگی اقتصادی</p>	<p>توسعه اقتصادی پیش شرط دستیابی به امنیت جامع در نظام بین الملل</p>	<p>توجه به توسعه پایدار جوامع در دستیابی به امنیت و صلح بین الملل</p>
<p>از بین رفتن شکاف نابرابری ها در سایه توسعه یافتگی اقتصادی جوامع</p> <p>شکاف بزرگ بین فقیر و غنی در سطح جهانی</p> <p>مسبق بودن امنیت جامع به امنیت جانی و امنیت اقتصادی</p>	<p>توسعه فرهنگی پیش شرط تحقق امنیت پایدار</p>	<p>توجه به توسعه پایدار جوامع در دستیابی به امنیت و صلح بین الملل</p>
<p>تحقق امنیت بین المللی پایدار در گرو ارتباط توسعه اقتصادی و فرهنگی</p> <p>ناکارآمدی تساهل و مدارا در رابطه با مسائل فرهنگی</p> <p>با اهمیت بودن توسعه فرهنگ، جوامع و جهانی شدن فرهنگ، در تقویت امنیت در نظام بین الملل</p> <p>تحقق امنیت بین المللی در سایه فاصله گیری از پارادایم رئالیسم و دولت محوری</p> <p>توجه به موضوع بازدارندگی اقتصادی و توانمندی های نظامی ذیل هدایت سیاسی</p> <p>توجه به استقرار دولت رفاه</p> <p>دستیابی به امنیت ملی و ثبات سیاسی بهتر در سایه توسعه سیاسی</p>	<p>توسعه فرهنگی پیش شرط تحقق امنیت پایدار</p> <p>اهمیت دادن به توسعه سیاسی جوامع در دستیابی به امنیت بین المللی</p>	<p>توجه به توسعه پایدار جوامع در دستیابی به امنیت و صلح بین الملل</p>
<p>به چالش کشیده شدن نگاه های سنتی و مرد سالار با حضور زنان در عرصه های تصمیم گیری</p> <p>محروم شدن از ظرفیت و پتانسیل نیمی از جمعیت در سایه تبعیض جنسیتی</p> <p>حمایت از برابری جنسیتی از سوی سازمان ملل</p>	<p>از میان بردن تبعیض جنسیتی در سطح جهانی</p>	<p>ضروری بودن حضور زنان در دستیابی به امنیت بین الملل</p>



<p>محقق شدن صلح و امنیت جهانی در سایه نقش فرهنگی زنان در امور بین الملل</p> <p>با اهمیت بودن نقش زنان در ایجاد صلح و امنیت پایدار جهانی</p> <p>مهم بودن نقش تاریخی زنان در تمامی حوزه های زندگی بشری</p> <p>نقش برجسته زنان در توسعه و گسترش همکاری های بین المللی در حوزه های مختلف حقوق بشری</p>	<p>با اهمیت بودن نقش زنان در تأمین صلح پایدار</p>	
<p>موثر بودن توسعه حقوق بشر مستقل در دست یابی به امنیت جامع در نظام بین الملل</p> <p>با اهمیت بودن حقوق بشر در تحقق بخشی امنیت درازمدت بین المللی</p> <p>مسبوق بودن حفظ و تثبیت امنیت پایدار ملی و بین المللی به تأمین حقوق عامه</p> <p>دستیابی به امنیت پایدار جهانی در سایه اجماع جهانی و تقویت حقوق بین المللی</p> <p>دستیابی به امنیت جامع بین المللی از طریق توجه به نهادها و کنواسیون های و یا رژیم های حقوقی مشترک</p>	<p>توجه به حقوق بشر و مکانیسم های آن در امنیت جامع بین المللی</p>	<p>توسعه و مقابله با سوء استفاده از مکانیسم های حقوق بر در سطح بین الملل</p>
<p>تهدید بودن نظام های ناقض حقوق بشر برای امنیت جهانی</p> <p>استفاده ابرازی از حقوق بشر در بحث امنیت در نظام بین الملل</p>	<p>مقابله با استفاده ابرازی از مکانیسم های حقوق بشر از سوی دولت ها</p>	
<p>تلاش سه گانه های حقوق بشر برای دستیابی به جامعه جهانی بهتر</p> <p>موثر بودن تلاش دولت ها در تأمین امنیت جامع از طریق توجه به سه گانه های حقوق بشر</p> <p>توجه به نسل اول حقوق بشر یعنی حقوق مدنی و سیاسی</p> <p>دفاع از حقوق انسان ها بواسطه شهروندی بین المللی صلح محور</p> <p>توجه به نسل دوم حقوق بشر یعنی حقوق اقتصادی و اجتماعی</p> <p>توجه به نسل سوم حقوق بشر یعنی حقوق محیط زیست</p>	<p>توسعه ابعاد سه گانه حقوق بشر در دستیابی به امنیت بین المللی</p>	
<p>متأثر بودن آینده امنیت در نظام بین الملل از اولویت های منافع ملی</p> <p>تفسیر پذیری امنیت جهانی براساس اولویت بندی منافع ملی کشورهای برتر نظام بین المللی</p> <p>نظام سرمایه داری بزرگترین مانع تحقق امنیت در سطح جهانی</p> <p>ثبات و صلح جهانی پایدار در گرو تغییر نگرش همه بازیگران نسبت به مفهوم امنیت</p>	<p>متغیر بودن تعریف امنیت با توجه به نوع نگرش</p>	<p>توجه به امنیت پایدار در سطح بین الملل</p>

اولویت دادن به صلح و امنیت پایدار جهانی نسبت به منافع ملی			
با اهمیت بودن تامین امنیت ملی از منظر رئالیسم ها			
با اهمیت بودن امنیت جامع و امنیت جهانی از منظر مکتب کپنهاک			
چند وجهی و به هم پیوستگی امنیت جامع	چند وجهی و همبسته بودن امنیت جامع در نظام بین الملل		
چند وجهی و همبسته بودن امنیت جامع در حوزه های مختلف			
چند وجهی شدن مقوله امنیت در جهان معاصر			
نامطلوب بودن وضعیت فعلی امنیت جهانی	شکندگی امنیت بین الملل در جهان معاصر		
یک سویه بودن وضعیت فعلی امنیت جهانی			
حاکم بودن بی ثباتی در سطح جهانی			
نامطلوب بودن امنیت جهانی علی زغم تشکیل سازمان الملل متحد			
تغییر نگرش رهبران نسبت به صلح و امنیت پایدار جهانی			
وجود تهدیدهای مختلف در جهان امروز			
تهدید شدن امنیت جهانی با رشد تروریسم			
تحقق صلح و امنیت پایدار در سایه همگرایی و شکل گیری هویت جهانی			
دست یابی به صلح جهانی در سایه داشتن منافع مشترک و همگرایی جهانی		دستیابی به صلح جهانی در سایه توجه به هویت جهانی	توجه به همگرایی فرهنگی و مقابله با آسیب های آن در سطح بین الملل
مسئولیت پذیری بیشتر شهروندان جوامع در سایه تقویت هویت جهانی			
مسبوق بودن امنیت جهانی در سایه هویت جهانی علی رغم دشواری های تحقق آن			
هویت فراملی بستر مطلوب تقویت امنیت جمعی و متقابل			
دشواری بودن تحقق هویت جهانی بواسطه تنخاصم میان تفکر شرق و غرب	موانع و چالش های دست یابی به هویت جهانی		
همگرایی های ابزاری اقتصادی مانع از شکل گیری هویت جهانی			

جدول ۱؛ تعداد مضامین فراگیر، مضامین سازمان یافته و مضامین پایه ای مدل مفهومی مطلوب آینده امنیت در نظام بین الملل مستخرج از داده های کیفی مرتبط با مصاحبه نیمه ساخت یافته (نیمه استاندارد) با خبرگان را نشان می دهد:

جدول ۲. تعداد مضامین فراگیر، سازمان یافته و پایه‌ای مدل مفهومی مطلوب آینده امنیت در نظام بین‌الملل^۱

ردیف	مضامین فراگیر	مضامین سازمان یافته	مضامین پایه
۱	توجه به تهدیدات امنیتی مسائل زیست محیطی	۳	۱۵
۲	توجه به مکانیسم های جامعه مدنی جهانی مستقل در در امنیت بین‌الملل	۴	۱۷
۳	توجه به توسعه پایدار جوامع در دستیابی به امنیت و صلح بین‌الملل	۳	۲۰
۴	ضروری بودن حضور زنان در دستیابی به امنیت بین‌الملل	۲	۷
۵	توسعه و مقابله با سوء استفاده از مکانیسم های حقوق بشر در سطح بین‌الملل	۳	۱۳
۶	توجه به امنیت پایدار در سطح بین‌الملل	۳	۱۷
۷	توجه به همگرایی فرهنگی و مقابله با آسیب های آن در سطح بین‌الملل	۲	۷
تعداد کل	۷	۲۰	

همانگونه که یافته‌های جدول ۲ نیز بیانگر آن می‌باشد؛ مدل مفهومی مطلوب آینده امنیت در نظام بین‌الملل براساس مصاحبه نیمه ساخت یافته (نیمه استاندارد) با ۱۵ نفر از خبرگان حوزه روابط بین‌الملل از ۷ مضامین فراگیر، ۲۰ مضمون سازمان یافته و در نهایت با ۹۶ مضمون پایه‌ای به اشباع نظری رسیده است.

پس از احصاء و استخراج مضامین فراگیر، مضامین سازمان یافته و نیز مضامین پایه-ای، در این قسمت به ترسیم مدل مفهومی شبکه‌ای برحسب مضامین فراگیر و سازمان یافته در ذیل مبادرت می‌شود.

۱. یافته‌های میدانی نگارندگان

مدل مفهومی مطلوب شبکه‌ای آینده امنیت در نظام بین‌الملل براساس مضامین
فراگیر و مضامین سازمان یافته
آینده امنیت در نظام بین‌الملل:

- توجه به تهدیدات امنیتی مسائل زیست محیطی

توجه مشترک بین المللی به مسایل زیست محیطی
تهدید بودن مسائل زیست محیطی برای امنیت جهانی
عدم توجه جدی دولت‌ها نسبت به مسائل محیط زیست

- توجه به توسعه پایدار جوامع در دستیابی به امنیت و صلح بین‌الملل

توسعه اقتصادی پیش شرط دستیابی به امنیت جامع در نظام بین الملل
توسعه فرهنگی پیش شرط تحقق امنیت پایدار
اهمیت دادن به توسعه سیاسی جوامع در دستیابی به امنیت بین‌المللی

- ضروری بودن حضور زنان در دستیابی به امنیت بین الملل

از میان بردن تبعیض جنسیتی در سطح جهانی
با اهمیت بودن نقش زنان در تأمین صلح پایدار

- توسعه و مقابله با سوءاستفاده از مکانیسم‌های حقوق بشر در سطح بین الملل

توجه به حقوق بشر و مکانیسم‌های آن در امنیت جامع بین المللی
مقابله با استفاد ابزاری از مکانیسم‌های حقوق بشر از سوی دولت‌ها
توسعه ابعاد سه گانه حقوق بشر در دستیابی به امنیت بین المللی
ر- توجه به امنیت پایدار در سطح بین الملل
متغیر بودن تعریف امنیت با توجه به نوع نگرش
چند وجهی و همبسته بودن امنیت جامع در نظام بین الملل
شکندگی امنیت بین‌الملل در جهان معاصر

- توجه به همگرایی فرهنگی و مقابله با آسیب‌های آن در سطح بین الملل

دستیابی به صلح جهانی در سایه توجه به هویت جهانی
موانع و چالش‌های دستیابی به هویت جهانی

- توجه به مکانیسم‌های جامعه مدنی جهانی مستقل در امنیت بین‌الملل

سو استفاده از رسانه‌ها
با اهمیت بودن نقش مجامع بین‌المللی در امنیت جهانی
موثر بودن رسانه‌های مستقل در امنیت جامع در نظام بین الملل
اثر بخشی سمن‌ها در امنیت بین‌المللی بواسطه برخورداری از استقلال

نتیجه‌گیری

در یک جمع‌بندی کلی می‌توان چنین اذعان داشت که براساس تئوری‌های امنیتی، بی‌ثباتی در حوزه اقتصاد می‌تواند تهدیدی علیه صلح و امنیت بین‌المللی تلقی شود. بدون عدم تأمین شرایط امنیتی، نمی‌توان در انتظار به ثمر نشستن و حتی پاگرفتن نهاد اقتصاد یا به اصطلاح توسعه اقتصادی بود؛ جامعه‌ی توسعه‌یافته، نمی‌توانست ناامنی و بی‌ثباتی را تحمل کند و براین باور بود که توسعه، به تقویت مبانی امنیتی جامعه خواهد انجامید. کمبود منابع، اقتصاد ملی را تحت تأثیر قرار داده و میزان درآمد دولت را کاهش می‌دهد که این امر می‌تواند به کاهش توانایی‌ها و ظرفیت دولت در حل مشکلات و در نتیجه کاهش مشروعیت آن منجر شود. علاوه بر آن نیز می‌توان بیان داشت که پس از اتمام جنگ سرد، ارتباط میان تغییرات، فشارها و فرسایش زیست محیطی و موضوع امنیت مورد توجه بسیاری از متخصصان این حوزه قرار گرفت. ایده امنیت زیست محیطی از نظر تاریخی به درگیری‌هایی مربوط می‌شود که در نتیجه فرسایش زیست محیطی در یکی از این حوزه‌ها بوجود می‌آید: استفاده بیش از حد از منابع تجدیدپذیر، آلودگی و کاهش باروری زمین‌های کشاورزی. بنابراین مطالعات محیط زیست و امنیت به موضوعاتی از قبیل تأثیر تغییرات آب و هوایی و گرم شدن کره زمین بر گسترش درگیری‌ها در کشورهای مختلف می‌پردازد. «نظریه‌ی درگیری‌های زیست محیطی» بر نقش کمبود منابع طبیعی به عنوان یک متغیر مستقل در گسترش درگیری‌های نظامی و خشونت آمیز متمرکز است و در نهایت می‌توان تحلیل نمود که ارتباط میان امنیت و حقوق بشر از اهمیت بسیاری برخوردار است. اگر حقوق بشر را همان امنیت انسانی در نظر بگیریم، این ارتباط تقویت می‌شود. توسعه فردی، بین‌المللی و ملی نیازمند حمایت همه‌جانبه از امنیت انسانی است. توسعه نیازمند احترام به حقوق بشر و احترام به حقوق بشر از بروز درگیری‌ها، به خصوص درگیری‌های نظامی، جلوگیری می‌کند. فرآیندهای صلح‌سازی باید بر اساس بنیان‌های حقوق بشر ایجاد شوند و فرآیندهای صلح‌سازی باید توجه ویژه‌ای به حقوق بشر داشته باشند. رعایت حقوق بشر می‌تواند به ارتقای صلح و امنیت

بین المللی کمک نماید و در صورتی که این جوامع و مردم از حقوق بشر محروم شوند زمینه‌ی شورش‌های داخلی و گسترش آنها به دیگر کشورها فراهم می‌شود و از این طریق صلح و امنیت بین المللی به خطر می‌افتد. از این منظر تدوین و اعتبارسنجی مدل مطلوب آینده امنیت در نظام بین الملل براساس مصاحبه نیمه ساخت یافته (نیمه استاندارد) با ۱۵ نفر از خبرگان و بواسطه فرایند تحلیل تم به شرح ذیل می‌باشند:

۱- مضمون فراگیر توجه به تهدیدات امنیتی مسائل زیست محیطی از سه مضمون سازمان یافته شامل: تهدید بودن مسائل زیست محیطی برای امنیت جهانی، عدم توجه جدی دولت‌ها نسبت به مسائل محیط زیستی و با اهمیت بودن نگرش مشترک بین المللی به مسایل زیست محیطی تشکیل شده است.

۲- مضمون فراگیر توجه به مکانیسم‌های جامعه مدنی جهانی مستقل در امنیت بین الملل از چهار مضمون سازمان یافته شامل: سوءاستفاده از رسانه‌ها، سمن‌ها و مجامع بین المللی از سوی نهاد قدرت و ثروت، اثربخشی سمن‌ها در امنیت بین المللی به واسطه برخورداری از استقلال، موثر بودن رسانه‌های مستقل در امنیت جامع در نظام بین الملل و با اهمیت بودن نقش مجامع بین المللی در امنیت جهانی تشکیل شده است.

۳- مضمون فراگیر توجه به توسعه پایدار جوامع در دستیابی به امنیت و صلح بین الملل از سه مضمون سازمان یافته شامل: توسعه اقتصادی پیش شرط دستیابی به امنیت جامع در نظام بین الملل، توسعه فرهنگی پیش شرط تحقق امنیت پایدار و اهمیت دادن به توسعه سیاسی جوامع در دستیابی به امنیت بین المللی تشکیل شده است.

۴- مضمون فراگیر ضروری بودن حضور زنان در دستیابی به امنیت بین الملل از دو مضمون سازمان یافته شامل:

از میان بردن تبعیض جنسیتی در سطح جهانی و با اهمیت بودن نقش زنان در تأمین صلح پایدار تشکیل شده است.

۵- مضمون فراگیر توسعه و مقابله با سوء استفاده از مکانیسم‌های حقوق بشر در سطح بین الملل سه مضمون سازمان یافته شامل: توجه به حقوق بشر و مکانیسم‌های آن در امنیت جامع بین المللی، مقابله با استفاد ابزاری از مکانیسم‌های حقوق بشر از

سوی دولت‌ها و توسعه ابعاد سه گانه حقوق بشر در دستیابی به امنیت بین‌المللی تشکیل شده است.

۶- مضمون فراگیر توجه به امنیت پایدار در سطح بین‌الملل از سه مضمون سازمان یافته شامل: متغیر بودن تعریف امنیت با توجه به نوع نگرش، چند وجهی و همبسته بودن امنیت جامع در نظام بین‌الملل و شکنندگی امنیت بین‌الملل در جهان معاصر تشکیل شده است.

۷- مضمون فراگیر توجه به همگرایی فرهنگی و مقابله با آسیب‌های آن در سطح بین‌الملل از دو مضمون سازمان یافته شامل: دستیابی به صلح جهانی در سایه توجه به هویت جهانی و موانع و چالش‌های دستیابی به هویت جهانی تشکیل شده است.

یافته‌های پژوهش حاضر با نتایج پژوهش‌های کلاته عربی (۱۳۹۷) بوزان (۱۳۹۰)، جعفری (۱۳۹۷)، جیمز ام. اسکات، (۲۰۱۸) و فرانسسکا ویتی و تاد اسکریبنر، (۲۰۱۸) مبنی بر اینکه عوامل و بسترهایی همچون عدم عدالت و عدالت خواهی در نظام بین‌الملل، بی توجهی به عواملی از جمله محیط زیست، حقوق بشر، امنیت اقتصادی، امنیت اجتماعی و امنیت سیاسی، مسئله مهاجرت و عدم توجه به حقوق بشر و مسائل جنسیتی همخوانی دارند.

منابع

- احدی، پرویز (۱۳۸۵)، سازنده‌گرایی و جامعه‌پذیری هنجارهای دموکراتیک (مطالعه موردی - مقایسه‌ای)، *دانشنامه حقوق و سیاست* شماره ۵.
- استراوس، انسلم. کربین، جولیت (۱۳۹۷)، *مبانی پژوهش کیفی (فنون و مراحل تولید نظریه زمینه‌ای)*، ترجمه ابراهیم افشار، چاپ هفتم، تهران: نشر نی.
- افتخاری، اصغر و نصری، قدیر (۱۳۸۳)، *روش و نظریه در امنیت پژوهی*، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- چرنوف، فرد، نظریه و زیر نظریه در روابط بین‌الملل، ترجمه علیرضا طیب، تهران: نشر نی.

ساروخانی، باقر (۱۳۸۷)، *روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی*، جلد اول، چاپ چهاردهم، تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.

شیهان، مایکل (۱۳۸۸)، *امنیت بین‌الملل*، ترجمه سید جلال دهقانی فیروز آبادی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

عابدی جعفری، حسن و همکاران (۱۳۹۰)، تحلیل مضمون و شبکه مضامین: روش ساده و کارآمد برای تبیین الگوهای موجود در داده‌های کیفی، *اندیشه مدیریت راهبردی*، سال ۵، شماره ۲، شماره پیاپی ۱۰، صص ۱۹۸-۱۵۱.

عبدالله خانی، علی (۱۳۸۹)، *نظریه‌های امنیت*، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران، معاونت پژوهشی.

عیوض‌زاده اردبیلی، حسین (۱۳۹۱)، ساخت موضوعی امنیت از دیدگاه سازه‌انگاری، *فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل*، دوره ۵، شماره ۱۹، شماره پیاپی ۱۸.

فلیک، اووه (۲۰۰۶)، *درآمدی بر تحقیق کیفی*، ترجمه هادی جلیلی (۱۳۸۸)، چاپ دوم. تهران: نشر نی.

مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۴)، *تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل*، انتشارات سمت.

Booth, K. (1991), "Security and emancipation", *Review of International Studies*, Vol17, N3.

Devetak, R., (1996), "Critical theory" in Burchill, S. and Linklater, A *Theories of International Relations*, London, Macmillan, p. 147.

Dovilė Jakniūnaitė, (2013-2014), *Critical Security Studies in the 21st Century: Any Directions for Lithuanian Security Studies?* *Lithuanian Annual Strategic Review*, Volume 12, pp. 39-40.

Guzzini, Stefano, (2000), "A Reconstruction of Constructivism in International Relations", *European Journal of International Relations*, Vol.6, No.2, pp:144.

Human Security Handbook, (2017), United Nations Trust Fund for Human Security p. 7. Available at: <https://www.un.org/humansecurity/wp-content/uploads/2017/10/h2.pdf>., pp: 7.

Linklater, A, (1990), *Beyond Realism and Marxism: Critical Theory and International Relations*, London, Macmillan, p.26.

Mohammad Kamrul Ahsan, *Revising the Concept of Human Security, Philosophy and Progress: Vols. LIX-LX, January-June, July-December*, 2016, p. 19-20, ISSN 1607-2278 (Print), DOI : <http://dx.doi.org/10.3329/pp.v59i1-2.36679>, pp: 19-20.

Wind, Marlene (1997), "Nicholas G. Onuf: the rules of anarchy", in: The Future of International Relations: Masters in the Making, Edited by Iver B. Neumann and Ole Wæver, London and New York: Routledge, pp:225
Withworth, Sandra (2008), "Feminist Perspectives", in Paul D. Williams, (ed), Security Studies: An Introduction, Routledge.uk., p. 103.

